

A Critical Review of *Metaphor*

Ramin Golshaie*

Abstract

This article presents a critical review of the Farsi translation of the book *Metaphor* authored by David Punter. The book was translated into Farsi by Mohammad Mehdi Moghimizadeh and published by Elm publications. In this book, Punter explores the role of metaphor in different aspects of human knowledge, from literature, philosophy, and religion to politics and psychoanalysis. The translated version of the book was evaluated in terms of both form and content. Form evaluation included technical, organizational and editorial characteristics of the book, and content evaluation assessed the quality and accuracy of translation and equivalents. Including a section titled “Translator’s endnotes” in the translated version, footnoting technical terms and proper names, and fluent language are among the merits of the book. On the other hand, the existence of typographical errors, use of inaccurate equivalents, inconsistent use of equivalents, insufficient command of the source language grammar, and distortion of metaphors during the process of translation are the drawbacks of the book. The book has the potential to open up new horizons to Farsi readership, especially for those who have a background within the domain of metaphor and critical studies. A better understanding of examples and metaphors discussed, however, would require the readers to refer back to the original version of the book.

Keywords: Metaphor, Critical Review, David Punter, Mohammad Mehdi Moghimizadeh

* Assistant Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran, golshaie@alzahra.ac.ir

ORCID: 0000-0001-7300-6727

Date received: 2020-11-27, Date of acceptance: 2021-03-06

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقد و بررسی کتاب/استعاره

رامین گلشائی*

چکیده

این مقاله به بررسی و نقد ترجمه کتاب/استعاره نوشته دیوید پانتر می‌پردازد که توسط محمدمهدی مقیمی‌زاده به فارسی ترجمه و توسط انتشارات علم منتشر شده است. پانتر در این کتاب، کارکردهای استعاره را در حوزه‌های مختلف دانش بشری از ادبیات و فلسفه گرفته تا سیاست و روانکاوی می‌کاود. ترجمه کتاب از دو منظر صوری و محتوایی بررسی شده است. در بررسی صوری، کتاب به لحاظ فنی، ساختاری و ویژگی‌های ویرایشی و نگارشی بررسی شده است. ارزیابی محتوایی اثر، شامل بررسی دقت و صحت ترجمه و معادل‌گزینی‌ها می‌شود. اضافه‌شدن بخشی تحت عنوان پی‌نوشت‌های مترجم در ترجمه فارسی، پانویسی اصطلاحات تخصصی و اسامی خاص، و روانی نثر ترجمه از نقاط قوت کتاب هستند. از سوی دیگر، وجود اشکالات ویرایشی و نگارشی، ضعف در معادل‌گزینی‌های دقیق، عدم یکدستی در انتخاب معادل‌ها، ضعف در رمزگشایی از ساختار زبان مبدأ و مخدوش‌شدن استعاره‌ها در فرآیند ترجمه از نقاط ضعف این کتاب هستند. کتاب/استعاره این پتانسیل را دارد که افق‌های فکری جدیدی را پیش روی خوانندگان فارسی‌زبان بگشاید، به خصوص برای خوانندگانی که زمینه مختصری در باب موضوع داشته باشند. با این حال، فهم بهتر مثال‌ها و استعاره‌های به‌کاررفته در آنها نیازمند مراجعه به متن اصلی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: استعاره، نقد ترجمه، دیوید پانتر، محمدمهدی مقیمی‌زاده

* استادیار گروه زبان‌شناسی دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، golshaie@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

۱. مقدمه

استعاره‌ها از دیرباز تاکنون همواره بخشی لاینفک از زبان شعر و ادبیات محسوب شده‌اند. در قرن بیستم با افزایش دانش انسان از ماهیت سازوکارهای شناختی ذهن و مبانی عصب‌شناختی آن، نگرش به استعاره از زبانی صرفاً تزئینی و حاشیه‌ای به پایه و اساس تفکر انتزاعی تغییر کرده است. برای مثال، کتاب *استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم* (Lakoff & Johnson, 1980) مهم‌ترین اثری است که ردپای استعاره را در زبان روزمره پی گرفته و در تغییر نگرش ما به استعاره، از ابزاری تزئینی به زیربنای مفهومی تفکر انسان، نقش اساسی داشته است. در سال‌های اخیر، این اثر به همراه آثار دیگری از زبان‌شناسان شناختی که شالوده‌های مفهومی، شناختی و فرهنگی استعاره را مورد کندوکاو قرار داده‌اند، به فارسی برگردانده شده‌اند (مثلاً لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷/۱۹۸۰؛ کوچش، ۱۳۹۸/۲۰۱۰). یکی دیگر از کتاب‌هایی که اخیراً به فارسی ترجمه شده، کتاب *استعاره* (پانتر، ۱۳۹۸/۲۰۰۷) است. هر چند این کتاب به‌طور مستقیم در حلقه آثار زبان‌شناسان شناختی قرار نمی‌گیرد، اما به دلیل رویکرد متفاوت‌اش به کارکردهای چندوجهی استعاره، جزو آثار در خور توجه در زبان فارسی است. در این مقاله، به نقد و بررسی این اثر خواهیم پرداخت. در بخش ۲ به معرفی اجمالی کتاب خواهیم پرداخت. بخش ۳ به ارزیابی صوری ترجمه شامل ویژگی‌های فنی، ساختاری و ویرایشی ترجمه می‌پردازد. در بخش ۴، ارزیابی محتوایی ترجمه ارائه خواهد شد و در نهایت بخش ۵ به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۲. معرفی کتاب

کتاب *استعاره* در سال ۲۰۰۷ میلادی به قلم دیوید پانتر به زبان انگلیسی و توسط انتشارات راتلج منتشر شده است. کتاب اصلی دارای ۱۵۸ صفحه است و به‌عنوان یکی از مجموعه کتاب‌های مقدماتی نیو کریتیکال ایدیم (New Critical Idiom) منتشر شده است. طبق وبگاه اینترنتی انتشارات راتلج (Routledge)، هدف از نگارش این مجموعه کتاب‌های مقدماتی، پاسخگویی به نیازهای دانشجویانی است که در مواجهه با پیچیدگی‌های اصطلاحات انتقادی مدرن نیازمند کمک هستند. کتاب *استعاره* سابقه مطالعات استعاره، از ریشه‌های فلسفی آن گرفته تا سنت‌های مذهبی و سیاسی آن در شرق را مورد کندوکاو قرار می‌دهد. همچنین در این کتاب، ارتباط تنگاتنگ استعاره با حوزه‌های عمومی نظیر فرهنگ و سیاست، نظریه ادبی، فلسفه، روانکاوی و مطالعات پسااستعماری به تصویر کشیده شده

است. مولف کتاب کوشیده است تمامی مباحث و استدلال‌های خود را با آوردن مثال‌هایی از اشعار و ادبیات غرب و شرق تشریح کند. این کتاب بر اهمیت استعاره در مطالعات ادبی و نیز ارتباط آن با مطالعات فرهنگی، زبان‌شناسی و فلسفه تأکید دارد.

سازماندهی مطالب کتاب با پیشگفتار ویراستار مجموعه آغاز می‌شود. پس از پیشگفتار، فصل مقدمه قرار دارد که در آن خواننده با مفهوم استعاره آشنا می‌شود و با مثال‌هایی ماهیت فراگیر آن در زبان نشان داده می‌شود. فصل یک، سابقه کلاسیک استعاره را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل دوم، به بررسی جایگاه استعاره در مشرق‌زمین می‌پردازد. در فصل سوم، ارتباط و پیوستگی میان استعاره از یک سو و قلمرو زبان و سیاست از سوی دیگر نشان داده می‌شود. در فصل چهارم، شیوه‌های تأثیرگذاری کاربردهای عمومی استعاره بر ادبیات بررسی می‌شود. در فصل پنجم، بر رویکرد روانکاوانه به‌مثابه ابزاری ضروری برای درک و فهم کارکرد مفاهیم استعاری تأکید می‌شود. در فصل ششم، استعاره حکم آن زمینه را برای متن پیدا می‌کند که متن در آن به‌شیوه امر غریب مدام فراتر از مرزهای خود می‌رود و در آن واحد کمتر و بیشتر از آنچه دارد را بازگو می‌کند. در فصل هفتم، ماهیت فرهنگ‌ویژه استعاره و ترجمه‌ناپذیری آن مورد بحث قرار می‌گیرد. در فصل هشتم، کارکرد استعاره در ادبیات پسااستعماری بحث می‌شود و در فصل نهم مثال‌های بیشتری از مباحث طرح‌شده ارائه می‌شود. در نهایت، فصل دهم پیشرفت‌های اخیر و وضعیت فعلی نظریه استعاره را جمع‌بندی می‌کند. کتاب در انتها با بخش واژه‌نامه، منابع، و نمایه به پایان می‌رسد.

۳. ارزیابی صوری ترجمه

۱.۳ ویژگی‌های فنی و ساختاری

کتاب *استعاره* نخستین بار در سال ۱۳۹۴، توسط انتشارات نشر علم منتشر شده است. کتاب ۲۸۰ صفحه دارد و در قطع رقعی چاپ شده است. کتاب به‌لحاظ کیفیت صحافی، نوع قلم استفاده‌شده، و صفحه‌آرایی مطلوب ارزیابی می‌شود. طرح روی جلد کتاب دارای پس‌زمینه سبز کم‌رنگ و کادری به رنگ سبز پررنگ در وسط است که گوشه آن همانند برگ کاغذ گویی در حال ورق‌خوردن است و بر روی آن نام کتاب، مولف و مترجم با رنگ سفید نوشته شده است. طرح جلد کتاب ترجمه ساده و بدون طراحی خاصی است و به‌کلی متفاوت از طرح جلد کتاب اصلی است. در طرح جلد کتاب اصلی، در پس‌زمینه‌ای مشکی

کادری مستطیل‌شکل در یک‌چهارم انتهایی صفحه قرار گرفته و داخل آن گویی تلاطم‌های ملایم و متصل‌به‌هم آب است که شبح‌وار زیر نور می‌درخشند. مطالب کتاب در ۹ فصل سازماندهی شده و فصل ۹ کتاب اصلی از ترجمه حذف شده است. پیش از فصل اول، بخش‌های پیشگفتار مترجم و مقدمه مولف قرار دارند. پس از فصل نتیجه‌گیری که فصل پایانی کتاب است، بخش واژه‌نامه تفصیلی و بعد از آن پی‌نوشت‌های مترجم قرار دارند. در انتهای کتاب و پیش از منابع، متن انگلیسی اشعار آورده شده‌اند.

یکی از نکاتی که در خصوص سازماندهی فصل‌های این کتاب به چشم می‌خورد این است که فصل اول کتاب از صفحه ۲۳ آغاز می‌شود و فصل قبل از آن، «مقدمه مولف» نام‌گذاری شده که صفحات آن فاقد شماره‌بندی است. فصلی که تحت عنوان «مقدمه مولف» در کتاب ترجمه آمده، در کتاب اصلی عنوان «مقدمه» (Introduction) را دارد و صفحات آن شماره‌بندی شده است. از آنجا که تعداد صفحات بخش مقدمه مولف زیاد است و به‌نوعی فصلی از کتاب محسوب می‌شود و همچنین در کتاب اصلی نیز این بخش دارای شماره‌بندی است، بهتر بود این صفحات در کتاب ترجمه نیز شماره‌بندی می‌شدند. نداشتن شماره‌بندی همچنین موجب می‌شود ارجاع به صفحات این بخش دشوار شود؛ در این مقاله هم برای رفع این مشکل صفحات بخش مقدمه مولف بر اساس شماره دیگر فصل‌ها به‌صورت دستی در زیر صفحات نوشته شد.

یکی از بخش‌های مفید کتاب، بخش پی‌نوشت‌های مترجم است که توسط مترجم در انتهای کتاب اضافه شده است. در این بخش، اطلاعات بیشتری در مورد اشخاص، مکان‌ها، و مفاهیمی ارائه شده که بنابه تشخیص مترجم نیاز به توضیح و تشریح بیشتر داشته‌اند و ارائه این اطلاعات می‌توانسته به درک بهتر مخاطب از مباحث کتاب کمک کند. اطلاعات بخش پی‌نوشت‌های مترجم بر اساس فصل‌های کتاب شماره‌بندی شده‌اند و در انتهای آن منابع استفاده‌شده در پی‌نوشت‌ها ذکر شده است.

۲.۳ ویژگی‌های نگارشی و ویرایشی

کتاب به‌لحاظ ویرایشی و رعایت اصول نگارش دارای خطاهای متعددی است و ضعیف ارزیابی می‌شود. نکات عمده ویرایشی که در کتاب مشاهده می‌شود عبارتند از: عدم رعایت فاصله، عدم رعایت نیم‌فاصله، عدم رعایت تمایز میان زبان و فرازبان، استعمال برخی

واژه‌های لاتین بدون ترجمه در متن، خطاهای املائی، و برخی خطاهای مربوط به ارجاعات درون‌متنی. در جدول ۱ مثال‌هایی از متن کتاب برای موارد مذکور ارائه شده است.

جدول ۱. برخی از انواع خطاهای مشاهده شده در متن کتاب

نوع خطا	صفحه و سطر	صورت نادرست	صورت درست
خطای املائی	ص. ۱۱، س. ۱۳	... به ارتباطی ویژه با خواننده می‌انجامد...	ویژه
خطای املائی	ص. ۳۰، س. ۱۷	این مسئله در عرصه تبلیغات نیز ...	تبلیغات
خطای املائی	ص. ۳۰، پانویس ۱	Laten	latent
خطای املائی	ص. ۸۰، س. ۳	... به‌جامانده از سوسالیسم ...	سوسالیسم
جانداختگی	ص. ۴۳، س. ۵	پیوند میان استعاره هر حقیقت لغوی دیگر استعاره و هر حقیقت ...
جانداختگی	ص. ۱۳۰، س. ۶	... در جهان خیالی پراچت در جهان خیالی دیسک‌ورلد پراچت ...
نیم‌فاصله	ص. ۳۹، س. ۱۷	سپس با پی گرفتن دوباره جریان ...	پی گرفتن
نیم‌فاصله	ص. ۵۹، س. ۱۴	... که آسیب‌پذیری ناگزیر را حتی در جاگوار نشان می‌دهد.	آسیب‌پذیری
نیم‌فاصله	ص. ۱۶۱، س. ۳	... ادعا می‌کند ...	می‌کند
فاصله	ص. ۱۴، س. ۱۱	... مختصراً بررسی کنیم این استعاره در اصل ...	کنیم. این
زبان‌فرازیان	ص. ۷، س. ۱-۲	اگر از ما بخواهند تعریفی از متن ارائه دهیم، ...	«متن»
زبان‌فرازیان	ص. ۲۶، س. ۲	تشبیه؛ جایی که ماندسازی یا جابه‌جایی ...	«جابه‌جایی»
ارجاع درون‌متنی	ص. ۱۴، س. ۱۸	(208Fleming 1958:)	(Fleming 1958: 208)
ارجاع درون‌متنی	ص. ۷۴، س. ۱۵	Wordsworth and Coleridge (1968: 266)	(Wordsworth and Coleridge, 1968: 266)

بر اساس اطلاعات جدول ۱، علاوه بر خطاهای املائی، وجود خطاهای مربوط به نیم‌فاصله و فاصله بین واژه‌ها و نشانه‌های نگارشی در کتاب نسبتاً قابل توجه است. در ادامه، برای بررسی کتاب، گزیده‌هایی از بخش‌های مختلف کتاب انتخاب شده است. برای سهولت ارجاع به گزیده‌های مورد بررسی از متن مبدا (انگلیسی) و متن هدف (فارسی)، از حرف «م» به جای «متن مبدا» و «ه» به جای «متن هدف» استفاده شده است. شماره قبل از این حروف نیز شماره گزیده را نشان می‌دهد.

همانطور که در جدول ۱ نیز مشاهده می‌شود، یکی از اشکالات ترجمه، عدم رعایت تمایز بین زبان و فرازبان است. منظور از فرازبان در زبان‌شناسی، زبانی است که برای توصیف زبان دیگر به کار می‌رود (Jakobson, 1985) و این عناصر فرازبانی عموماً با علائم نقل قول یا ایتالیک (ایرانیکی در فارسی) از زبان متمایز می‌شوند.

به‌عنوان مثال، در صفحه ۷ از مقدمه مولف می‌خوانیم:

۱. (م):

We can begin to consider the study of metaphor by considering the nature of text, and of the word 'text' itself. If we were to be asked for a definition of 'text' ...

۱. (ه):

مطالعه استعاره را می‌توان با توجه به طبیعت متن و خود واژه متن آغاز کرد. اگر از ما بخواهند تعریفی از متن ارائه دهیم، ...

در گزیده ۱. (م)، واژه text (متن) در کاربرد نخست، حکم زبان و در کاربردهای دوم و سوم که داخل علامت نقل قول (") قرار داده شده، حکم فرازبان را دارد. به عبارت دیگر، تفاوت text و 'text' در گزیده ۱. (م) این است که کاربرد اول به آن موجودیتی دلالت دارد که ما آن را به‌عنوان متن می‌شناسیم، اما کاربرد دوم به خود واژه «متن» دلالت دارد نه مصداق بیرونی آن. این در حالی است که با بررسی متن ترجمه در ۱. (ه) متوجه می‌شویم، این تمایز بین متن به‌عنوان زبان و «متن» به‌عنوان فرازبان رعایت نشده است و روشن نیست ارائه «تعریفی از متن»، معطوف به کدام متن است: متن به‌مثابه مصداق یا واژه «متن». تفکیک زبان و فرازبان در جای‌جای کتاب اصلی به چشم می‌خورد، اما در نسخه ترجمه این تمایز در بسیاری از موارد رعایت نشده است.

۴. ارزیابی محتوایی ترجمه

کتاب استعاره کتابی است که به دلیل پرداختن به حوزه‌های مختلف دانش از ادبیات گرفته تا سیاست و روانکاوی، این پتانسیل را دارد که هر مترجمی را با چالش‌هایی روبه‌رو کند. در این بخش با علم به این دشواری‌ها، سعی کرده‌ایم بر مواردی تمرکز داشته باشیم که ترجمه دچار خطا شده یا احتمال دشواری در درک مطلب وجود داشته است. همچنین در این بخش سعی شده محتوای کتاب از منظر مطابقت معادل‌های انتخابی و همچنین دقت و صحت ترجمه مورد بررسی قرار گیرد. در بررسی گزیده‌های این بخش نیز همچون بخش

قبل، ابتدا گزیده انگلیسی از متن اصلی آمده و سپس در زیر آن ترجمه فارسی ارائه شده است. برای ارجاع دقیق به گزیده مورد بررسی، شماره صفحه و سطر هر گزیده بر اساس کتاب ترجمه ارائه شده است. از آنجا که فصل مقدمه مولف فاقد شماره بندی است، صفحه نخست این فصل شماره یک در نظر گرفته شده و به ترتیب تا پایان این فصل ادامه یافته است. از فصل دوم به بعد، طبق شماره بندی کتاب عمل شده است.

- صفحه ۷، سطر ۶:

اولین موردی که در بخش مقدمه مولف به چشم می خورد عبارت the very از گزیده ۲ است که به تعریف «واژه» می پردازد:

۲.(م):

The wording of anything written or printed; the structure formed by the words in their order; the very words, phrases, and sentences as written.

ترجمه ارائه شده برای تعریف فوق، به این صورت است:

۲.(ه):

«بیان کردن چیزی به صورت نوشته یا چاپ شده؛ ساختاری که واژگان آن را طبق قواعد خود شکل می دهند؛ تعداد زیادی از واژگان، عبارات و جملات نوشته شده» (فرهنگ آکسفورد).

با تطبیق دو متن مبدا و هدف می توان مشاهده کرد که عبارت the very به صورت «تعداد زیادی» ترجمه شده است که نادرست است. عبارت the very در اینجا به معنای «همان» است. یعنی بخش انتهایی گزیده ۲.(ه) به صورت «همان واژه ها، عبارات و جملات نوشته شده» خواهد بود.

- صفحه ۷، سطر ۸:

در این قسمت به واژه «قاموسی» برمی خوریم که معادل واژه literal قرار داده شده است. با بررسی نمونه های دیگر این واژه در کتاب مشخص می شود که واژه literal غیر از «قاموسی» حداقل به دو صورت دیگر یعنی به «تحت الفظی» (صفحه ۹) و «لغوی» (صفحه ۴۳) نیز ترجمه شده است. این موضوع بدان معناست که وحدت رویه در معادل گزینی این واژه رعایت نشده است که می تواند از انسجام و شفافیت مفاهیم در ذهن خواننده بکاهد. موارد دیگری نیز از عدم رعایت وحدت رویه در انتخاب معادلها مشاهده می شود. به عنوان

نمونه‌ای دیگر، در صفحه ۱۴۸ واژه Hades به «عالم مردگان» ترجمه شده اما در صفحه ۱۷۱ به صورت «هادس» آمده است.

- صفحه ۷، سطر ۱۰:

۳.(م):

... although even here we may suspect that the dictionary meanings do not quite cover the expansion of the word 'text' into phrases like, for example, 'text-messaging'.

۳.(ه):

با این وجود می‌توان چنین پنداشت که معانی لغتنامه نمی‌توانند دامنه کاربرد واژه متن را در عباراتی همچون «پیام متنی» پوشش دهند.

با بررسی گزیده ۳.(م) می‌توان دریافت که عبارت even here و همچنین quite در ۳.(ه) ترجمه نشده‌اند. همچنین واژه suspect به «پنداشتن» ترجمه شده است که به نظر می‌رسد این معادل در بافت فعلی، معنای شک و تردید را که مورد نظر مولف بوده نمی‌رساند. شاید در بافت فعلی، معادلی نظیر «نمی‌توان مطمئن بود» معنی مورد نظر را بهتر برساند. نکته دیگر، عبارت dictionary meanings است که بهتر بود به «معانی لغتنامه‌ای» ترجمه می‌شد. در نهایت، واژه expansion به معنای «بسط» یا «گسترش» است که در ۳.(ه) فقط به «دامنه کاربرد» ترجمه شده است. در اینجا حتی اگر قرار بر این باشد عبارت «دامنه کاربرد» به منظور درک بهتر متن باقی بماند، بدون ترجمه expansion پیام به درستی منتقل نمی‌شود. با توجه به نکات مذکور می‌توان چنین ترجمه‌ای را برای ۳.(ه) پیشنهاد داد: «با این وجود حتی در اینجا نمی‌توان مطمئن بود که معانی لغتنامه‌ای بتوانند بسط واژه "متن" به عباراتی نظیر مثلاً "پیام متنی" را کاملاً پوشش دهند.»

- صفحه ۸، سطر ۱۳:

۴.(م):

... here the word 'head' does not have the customary meaning we might expect but rather stands in for another thing, for the cattle themselves.

۴.(ه):

اینجا واژه راس یا سر معنای رایج و مورد انتظار را ندارد اما به جای چیز دیگر یعنی به جای خود گاوها هم نیامده است.

در گزیدهٔ ۴، با تطبیق متن مبدا و هدف مشخص می‌شود که انتهای جملهٔ ۴. (ه) می‌بایست به صورت «... به جای خود گاوها آمده است» باشد.

- صفحهٔ ۱۱، سطر ۲:

۵. (م):

... a limitless freedom: no fear, no hatred, no envy... the ribs of his body were like steel bands which held him down to eternal unrepentance.

۵. (ه):

... رهایی بی‌حدومرزی را مجسم می‌کرد. گستره‌ای خالی از ترس و بیزاری و حسادت... وجودش چون میله‌های آهنی همواره او را در ته ورطه نارسنگاری ابدی نگاه می‌داشت.

در گزیدهٔ ۵. (ه)، واژهٔ «گستره‌ای» مشاهده می‌شود که با تطبیق متن با متن مبدا، یافت نمی‌شود. در اینجا، مترجم می‌توانست به‌سادگی و با استفاده از ساختارهای مشابه در زبان فارسی، ساختار متن مبدا را حفظ کند و ترجمه را به این صورت ارائه دهد: «... رهایی بی‌حدوحصری را مجسم می‌کرد: نه ترسی، نه نفرتی، نه حسادتی». در بخش دوم گزیدهٔ ۵. (م)، عبارت ribs of his body به کار رفته که به معنای «دنده‌های بدنش» است، اما در ۵. (ه) به صورت «وجودش» ترجمه است. از آنجا که این کتاب در مورد استعاره است، توجه به معنای تحت‌اللفظی واژه‌ها ضرورت ویژه‌ای دارد. استفاده از «وجودش» به جای «دنده‌های بدنش»، هر چند از لحاظ مفهومی ممکن است معنای مورد نظر را برساند اما نگاهت استعاری میان «دنده» و «میله‌های آهنی» را از بین می‌برد.

- صفحهٔ ۱۳، سطر ۲:

۶. (م):

Child in the womb,
Or saint on a tomb –
Which way shall I lie
To fall asleep?
The keen moon stares
From the back of the sky,
The clouds are all home

Like driven sheep.

(Larkin 1988: 35)

۶. (ه):

طفلی در رحم
یا قدیسی در یکی آرامگاه
به کدامین طریق بیمارام
تا به خواب بروم؟
ماه تند و تیز
خیره از پس آسمان می‌نگرد،
ابرها همه به خانه رفته‌اند
چون گوسفندانی هدایت شده.

در گزیده ۶ که شعری از لارکین (Larkin) است، عبارت the keen moon به «ماه تند و تیز» ترجمه شده که با توجه به توضیحاتی که در ادامه شعر ارائه شده، نادرست است. در توضیحات مولف آمده که معنای واژه keen در کنار moon نه بر اساس معنای متعارف واژه keen (که همان تندونیزی یا اشتیاق است) بلکه در قالب تصویری از ماه که در حال سوگواری (keening) بر فراز صحنه است به دست می‌آید. بنابراین keen در این شعر به معنای «سوگوار» است. یعنی ماهی که سوگوارانه از پس ابر خیره شده است. البته در ترجمه توضیحات شعر، به این معنا اشاره شده، اما با این حال در متن شعر، به «تند و تیز» ترجمه شده است. به عنوان شاهد، در متن ترجمه این عبارت به چشم می‌خورد: «ماهی که در حال keening بر فراز صحنه است؛ واژه‌ای به کلی متفاوت که معنی گریستن و زاری کردن می‌دهد.»

- صفحه ۲۰، سطر ۲۰:

۷. (م):

... it seeks to 'fix' our understanding, but at the same time it reveals how any such fixity, any such desire for stability and certainty, is constructed on shifting sands... If we think of another 'sand' metaphor, 'to draw a line in the sand', it is remarkable how this

metaphor has come, certainly in recent years, and perhaps especially in the hands of politicians, to reverse its own signification.

۷.(ه):

استعاره در پی تثبیت فهم ماست اما در همان حال این واقعیت را آشکار می‌کند که هر گونه تثبیت و هر گونه میل به استحکام و اطمینان، بر زمینی سست (*shifting sands*) بنا شده است... اگر به استعاره دیگری از «شن» یعنی «نگاشتن خطی بر شن» توجه کنیم، نکته جالب این است که چگونه این استعاره مشخصاً در سالیان اخیر - و شاید به ویژه از طریق سیاستمداران - دلالت خود را به تدریج تغییر داده است.

در گزیده ۷، اصطلاح *shifting sands* به صورت «زمین سست» ترجمه شده است که ترجمه تحت‌اللفظی و صحیح آن، «شن‌های روان» است. این اصطلاح هر چند به صورت غیرتحت‌اللفظی، به معنای زمین سست است، اما چون ماهیت استعاری آن توسط مولف توضیح داده شده است، ترجمه آن نیز می‌بایست بیانگر این معنای استعاری باشد. در ادامه متن، اصطلاح دیگری مرتبط با شن مشاهده می‌شود که *to draw a line in the sand* است. این اصطلاح به معنای «خطی در شن کشیدن» است اما به صورت «نگاشتن خطی بر شن» ترجمه شده است. در اینجا روشن نیست چرا مترجم به جای معادل متعارف «کشیدن» از واژه «نگاشتن» استفاده کرده است.

- صفحه ۲۳:

در فصل اول، عنوان فصل *the classical problem: figurative language* به صورت «زبان مصنوع؛ مسئله‌ای کلاسیک» ترجمه شده است. زبان *figurative* به زبانی گفته می‌شود که غیرتحت‌اللفظی است، یعنی معنایی غیر از معنای متداول دارد. در برخی منابع، به «استعاره» ترجمه شده که دقیق نیست، زیرا استعاره فقط یکی از انواع زبان *figurative* است. در این کتاب، واژه *figurative* به «مصنوع» ترجمه شده است. این معادل هر چند برای واژه *figurative* معادل جاافتاده و پرکاربردی به نظر نمی‌رسد، اما احتمالاً این انتخاب بر اساس عبارت «صنایع ادبی» (*figures of speech*) صورت گرفته است. با این حال، به عنوان معادل جاافتاده و پرکاربرد برای این واژه، می‌توان واژه «مجازی» را پیشنهاد کرد؛ زبان مجازی شامل هر نوع عبارت زبانی می‌شود که معنای متعارف را ندارد.

- صفحه ۲۵، سطر ۱۵:

۸.(م):

'Shaw is like a train. One just speaks the words and sits in one's place. But Shakespeare is like bathing in the sea – one swims where one wants'

۸.(ه):

«شاو مانند قطار است؛ کسی که فقط کلماتش را بیان می‌کند و یک جا متوقف می‌شود. اما [خواندن آثار] شکسپیر مانند شنا در دریاست؛ آدمی به هر کجا که بخواهد شنا می‌کند...»
در گزیده ۸ عبارتی از ویوین لای (Vivien Leigh) هنرپیشه زن در مورد آثار جرج برنارد شاو و شکسپیر نقل شده است. در ترجمه این عبارت، عدم یکدستی در انتخاب معادل‌ها به چشم می‌خورد. برای نمونه، واژه one در کاربرد نخست به «کسی که» و در کاربرد دوم به «آدمی» ترجمه شده است. در اینجا انتخاب معادل «آدمی» برای مورد نخست نیز انتخاب مناسبی می‌توانست باشد. نکته دوم، ترجمه عبارت sits in one's place است که به صورت «یک جا متوقف می‌شود» ترجمه شده است. هر چند به لحاظ مفهومی، منظور همان متوقف ماندن است، اما باید توجه داشت که این کتاب درباره استعاره‌هاست و معنای تحت‌اللفظی کلمات و عبارات تا حد امکان نباید در فرآیند ترجمه از بین برود. در گزیده ۸.(م) صحبتی از توقف نشده و آنچه مورد نظر بوده، «نشستن در جای خود» است. در ادامه و در جمله سوم، در متن اصلی واژه bathing و swim مشاهده می‌شود که هر دو به «شناکردن» ترجمه شده‌اند. اینجا دو واژه متفاوت برای مفهومی کمابیش مشابه انتخاب شده است. در ترجمه هم می‌شد برای انعکاس این تفاوت واژگانی از واژه دیگری نظیر «آبتنی» برای bathing استفاده کرد.

- صفحه ۲۶، سطر ۲:

۹.(م):

Now this is what we might well recognise as the simplest form of metaphor – simile, where the comparison, the 'transference' (*metapherein*) between the two entities, is explicitly signalled by the word 'like' (or sometimes 'as').

۹.(ه):

می‌توان آن را به عنوان ساده‌ترین شکل استعاره بازشناخت: تشبیه؛ جایی که مانند سازی یا جابه‌جایی (*metapherein*) میان دو موجود، به صراحت با واژه «مانند» نشان داده می‌شود.
با توجه به گزیده ۹، واژه دیگری که در صفحه ۲۶ به کار رفته، واژه entity است که به «موجود» ترجمه شده است. واژه entity به هر چیزی که موجودیت مستقل و متمایزی

داشته باشد گفته می‌شود. واژه «موجود» در فارسی هر چند به لحاظ لغوی به هر آنچه هست (وجود دارد) گفته می‌شود، اما در کاربرد عمومی معمولاً به جاندار اطلاق می‌شود. «هستینه» یا «موجودیت» جزو معادل‌هایی هستند که می‌توان برای واژه entity مناسب‌تر هستند.

- صفحه ۲۷، سطر ۸:

یکی از واژه‌هایی که ساموئل تایلر کولریج (Samuel Taylor Coleridge) در توصیف شکسپیر به کار برده، واژه myriad-minded است که در این بخش از کتاب به «بسیار-اندیش» ترجمه شده است. معنی واژه myriad-minded در فرهنگ وبستر (Merriam-Webster, n.d.) به این صورت آمده است:

Myriad-minded: having a mind of extreme versatility and power.

طبق فرهنگ وبستر، myriad-minded به شخصی گفته می‌شود که بسیار همه‌فن‌حریف (versatile) و توانمند است. معادل «بسیار-اندیش» که در متن ترجمه آمده است، معنی همه‌فن‌حریفی را نمی‌رساند. در واقع، عبارت «بسیار-اندیش» بیشتر ذهن خواننده را به سوی معنایی نظیر «متفکر» یا «کسی که بسیار می‌اندیشد» هدایت می‌کند. به نظر می‌رسد انتخاب معادلی نظیر «همه‌فن‌حریف» برای myriad-minded می‌توانست انتخاب سراسرتر و دقیق‌تری باشد.

- صفحه ۲۸، سطر ۳:

۱۰.(م):

England is not the jewelled isle of Shakespeare's much-quoted passage, nor is it the inferno described by Dr Goebbels. More than either it resembles a family, a rather stuffy Victorian family, with not many black sheep in it but with all its cupboards bursting with skeletons . . . A family with the wrong members in control.

۱۰.(ه):

انگلستان نه آن جزیره جواهرنشان گفته مشهور شکسپیر است و نه آن دوزخی است که دکتر گوبلز وصف کرده. و رای این هر دو، انگلستان به یک خانواده شبیه است؛ یک خانواده کمابیش رسمی و ویکتوریایی بدون گله گوسفندان سیاه اما با همه گنجه‌های پر از استخوانش ... خانواده‌ای که بر اعضای ناباب خود تسلط دارد.

در گزیده ۱۰ که متنی از جورج اورول (George Orwell) است، عبارت black sheep و cupboards bursting with skeletons اصطلاح هستند؛ اولی به معنای «فرزند ناخلف» و دومی

به معنای «گنج‌مملو از اسرار سربه‌مهر» است. همچنین عبارت *a family with wrong members in control* به معنای «خانواده‌ای با سرپرستان ناشایست» است که صحیح ترجمه نشده است. بنابراین ترجمه بخش مربوط به این عبارات، به این صورت است: «...یک خانواده نسبتاً پرافاده و ویکتورایی، دارای فرزندان ناخلف نه چندان زیاد اما با گنج‌هایی پر از اسرار سربه‌مهر... خانواده‌ای با سرپرستان ناشایست». برای حفظ ماهیت استعاری عبارات *black sheep* و *cupboards bursting with skeletons* در متن ترجمه که در ادامه توسط مولف توضیح داده شده است، می‌شد به صورت پانویس به معنای تحت‌اللفظی این دو عبارت اشاره کرد.

- صفحه ۳۱، سطر ۱۶:

۱۱.(م):

When I read a chapter in Gibbon I seem to be looking through a luminous haze or fog, figures come and go, I know not how or why, all larger than life or distorted or discoloured...

۱۱.(ه):

هرگاه فصلی از گیبون را می‌خوانم، خود را در میان غبار یا مهی رقیق درمی‌یابم؛ صورت‌ها می‌روند و می‌آیند؛ هیچ نمی‌دانم چگونه یا چرا، همه چیز بزرگتر از زندگی است و یا تحریف شده یا تغییر رنگ داده است...

در این گزیده از کتاب به دو عبارت *larger than life* و *luminous haze or fog* برمی‌خوریم که به ترتیب به صورت «بزرگتر از زندگی» و «غبار یا مهی رقیق» ترجمه شده‌اند. ترجمه درست عبارت نخست به صورت «بزرگتر از اندازه واقعی» و عبارت دوم به صورت «غبار یا مهی درخشان» است. در واقع مه درخشان به مهی گفته می‌شود که در پس آن نوری دیده می‌شود.

- صفحه ۴۹، سطر ۷:

۱۲.(م):

Here the relation between text and physicality takes a different turn, as does the relation between consciousness and the unconscious, and consequently the role of metaphor as mediation between self and 'not-self'

۱۲.(ه):

در اینجا ارتباط بین متن و جسمیت به شکل خاصی تغییر می‌کند و همچنین ارتباط میان خودآگاه و ناخودآگاه و در نتیجه آن نقش استعاره به عنوان واسطه میان «خود» و «غیرخود» نیز تغییر می‌یابد.

در گزیده ۱۲، برای واژه physicality از معادل «جسمیت» استفاده شده است. در ص. ۴۲ نیز برای واژه incarnation از معادل «جسمیت بخشی» استفاده شده است. در انگلیسی بین physicality و incarnation تمایز مفهومی روشنی وجود دارد به این معنی که اولی در معنای ویژگی‌های مرتبط با جسم است و دومی به معنای تجسد یا حلول کردن (عموماً یک روح یا نیروی ماوراء طبیعی در قالب انسان) است. استفاده از معادل هم‌ریشه در فارسی برای این دو واژه، تمایز ظریف مفهومی که بین آنها در انگلیسی برقرار است را از بین می‌برد. نکته دوم، فرایند اشتقاق واژه physicality است که ابتدا physico سپس physical و در نهایت physicality بوده است. این فرآیند در معادل فارسی آن به صورت «جسم» و سپس «جسمیت» خلاصه می‌شود. انتخاب معادلی نظیر «جسمانیت»، فرآیند اشتقاق این دو معادل را متناسب با واژه اصلی می‌سازد: ابتدا «جسم» سپس «جسمانی» و در نهایت «جسمانیت».

- صفحه ۵۰، سطر ۱۰:

۱۳. (م):

if we say, 'James is a beast', we are not merely inviting our listener to adjudicate on exactly in what way James displays any one or more of a range of beast-like qualities; rather, we are inviting the listener to identify James with a beast.

۱۳. (ه):

در واقع اگر بگوییم: «جیمز حیوان است»، صرفاً از شنونده خود نخواسته‌ایم تا حکم قطعی بدهد که جیمز یک یا چند مورد از مجموعه صفات حیوانی را به نمایش می‌گذارد؛ بلکه از شنونده خواسته‌ایم که جیمز را از طریق حیوان بشناسد.

در گزیده ۱۳، «جیمز را از طریق حیوان بشناسد» ترجمه to identify James with a beast قرار داده شده است. عبارت to identify with در زبان انگلیسی، به معنای «یکی‌نگاشتن» است و ترجمه تحت‌اللفظی آن معنای موردنظر را نمی‌رساند. بنابراین، ترجمه صحیح بخش آخر گزیده متن به این صورت خواهد بود: «... بلکه از شنونده خواسته‌ایم که جیمز را با حیوان یکی‌نگارد.»

- صفحه ۵۱، سطر ۸:

۱۴.(م):

The following example is a passage from *The Mystery of Edwin Drood* (1870), introducing a chapter called 'A Dean, and a Chapter Also'

۱۴.(ه):

مثالی که در پی می‌آید، قسمتی از رمان راز ادوین درود است که از آغاز فصلی با عنوان «یک» نقل می‌شود
در این گزیده از متن، «فصل آغازین» به اشتباه به صورت «آغاز فصلی» ترجمه شده است. همچنین عبارت A Dean, and a Chapter Also که همان عنوان فصل است، ترجمه نشده است.

- صفحه ۵۱، سطر ۱۳:

۱۵.(م):

...two rooks will suddenly detach themselves from the rest, will retrace their flight for some distance, and will there poise and linger; conveying to mere men the fancy that it is of some occult importance to the body politic, that this artful couple should pretend to have renounced connection with it.

۱۵.(ه):

... ناگهان دو زاغ از دیگران فاصله می‌گیرند و پرواز خود را تا دور دست‌ها ادامه می‌دهند و آنجا لختی درنگ می‌کنند؛ در همان آن به آدمی این خیال را منتقل می‌کنند که گویی اهمیتی مرموز در سیاست بدن هست، که این زوج زیرک بایستی ارتباط با آن را انکار کنند. گزیده ۱۵ متنی نقل شده از رمان راز ادوین درود (*The Mystery of Edwin Drood*) است. در این متن، عبارت poise and linger به معنای «معلق ماندن و پرسه زدن» است که فقط ترجمه «لختی درنگ می‌کنند» از آن در متن ترجمه مشاهده می‌شود. در ادامه، عبارت body politic به «سیاست بدن» ترجمه شده است که در واقع طبق دفتر هفتم فرهنگستان زبان و ادب فارسی، معادل صحیح برای آن «بدنه سیاسی» است. طبق دانشنامه بریتانیکا (Britannica, n.d.) این اصطلاح استعاره‌ای قدیمی در اندیشه سیاسی غرب است که بر اساس آن دولت، جامعه یا کلیسا و نهادهای وابسته به آن به مثابه یک بدن بیولوژیک (معمولاً بدن انسان) تصور می‌شوند. همچنین در این گزیده متن، مشاهده می‌شود که واژه‌های mere و pretend ترجمه نشده‌اند. با توجه به موارد مذکور، ترجمه بند انتهایی گزیده فوق می‌تواند به این

صورت باشد: «... این تصور را در مردم عادی ایجاد می‌کند که این امر اهمیتی مرموز برای بدنه سیاسی دارد، این که این زوج زیرک باید وانمود کنند که ارتباط خود را با آن [بدنه] قطع کرده‌اند.»

- صفحه ۶۵، سطر ۷:

۱۶. (م):

Just as water will equally flow east or west depending on its environment, so will humans become good or bad depending on their environment. Mengzi [in the course of a famous debate] acknowledges that water is indifferent between east and west, but observes that it does show a preference for low over high . . .

۱۶. (ه):

درست همان‌گونه که آب بر اساس محیط خود به شرق یا غرب جریان خواهد یافت، خوب یا بد شدن انسان نیز وابسته به محیط اوست. منگزی (در خلال مباحثه‌ای مشهور) این نکته را اعلام می‌کند که آب در شرق و غرب یکسان است، اما به نظر می‌رسد که پایین را برتر از بالا می‌نماید...

گزیده ۱۶ از ون‌نوردن (Van Norden, 2004) در تمایز میان استعاره‌های غربی و شرقی ذکر شده است. از معانی واژه acknowledge در زبان انگلیسی معنای «اذعان کردن» یا «تصدیق کردن» است که هر یک از این دو معنی با بافت کنونی آن متناسب است. در ترجمه این واژه از معادل «اعلام کردن» استفاده شده است که معنی اذعان‌کردن را نمی‌رساند. در ادامه به این جمله در ۱۶. (م) بر می‌خوریم:

... water is indifferent between east and west, but observes that it does show a preference for low over high.

معنای این جمله آن‌گونه که در ترجمه کتاب آمده این نیست که «آب در شرق و غرب یکسان است» بلکه به این معنی است که «برای آب تفاوتی ندارد به شرق جریان داشته باشد یا غرب». همچنین در ترجمه بخش آخر، آورده شده «اما به نظر می‌رسد که پایین را برتر از بالا می‌نماید...». در این جمله، واژه «به نظر می‌رسد» ظاهراً معادل observes قرار داده شده که در این صورت نادرست است. در واقع فعل observes به منگزی برمی‌گردد. بنابراین ترجمه صحیح بند پایانی به این صورت خواهد بود: «منگزی (در خلال مباحثه‌ای

مشهور) اذعان می‌کند که برای آب تفاوتی نمی‌کند به شرق جریان داشته باشد یا غرب، اما وی اشاره می‌کند البته که آب [جریان به] پایین را به بالا ترجیح می‌دهد...»
- صفحه ۷۷، سطر ۴:

۱۷. (م):

The French Marxist thinker Louis Althusser described how we are 'interpellated' through language (Althusser 1977: 162-70); that is to say, how we are constituted as subjects. ... Although Althusser did not say as much, we might suggest that the principal way in which we are interpellated is through metaphor, and also that we are interpellated as metaphor.

۱۸. (ه):

لویی آلتوسر، اندیشمند مارکسیست فرانسوی، به این نکته پرداخته که ما چگونه از طریق زبان «هویت یافته‌ایم»...؛ حرف او این است که ما چگونه به موضوعاتی نهادینه بدل گشته‌ایم... اگرچه آلتوسر تا این حد پیش نرفته، اما می‌توان حدس زد نکته اصلی این است که ما از طریق استعاره و علاوه بر آن همچون استعاره هویت می‌یابیم.
در گزیده ۱۷ که ذیل موضوع «استعاره عمومی» از فصل ۳ قرار دارد، به طرح برخی آراء لویی آلتوسر، اندیشمند مارکسیست فرانسوی، درباره شیوه هویت‌سازی از طریق زبان پرداخته شده است. مهم‌ترین نکته‌ای که در ترجمه این صفحه دیده می‌شود، ترجمه نادرست واژه subject به «موضوع» است. واژه subject در مباحث فلسفی با معادل «سوژه» شناخته می‌شود که به لحاظ معنایی دلالت بر ذهن خودآگاه یا ضمیر دارد. همچنین در جمله آخر متن فوق، به واژه‌ای کلیدی یعنی interpellation برمی‌خوریم که در آثار آلتوسر به کرات تکرار می‌شود. این واژه در فارسی عمدتاً به «استیضاح» یا «فراخوانی» ترجمه شده (مثلاً، ربانی خوارسگانی و میرزایی، ۱۳۹۳؛ خجسته و فسایی، ۱۳۹۶) و دلالت به فرآیندی دارد که طی آن فرد به‌عنوان سوژه فراخوانی می‌شود (مورد خطاب قرار می‌گیرد) و ارزش‌های ایدئولوژیک را درونی می‌سازد. در گزیده مذکور واژه interpellation به «هویت‌یابی» ترجمه شده است که به نظر می‌رسد معنای موردنظر را به‌طور کامل نمی‌رساند. در واقع، می‌توان گفت سوژه‌سازی نوعی هویت‌دهی است که وجه ایدئولوژیک آن برجسته است.

- صفحه ۷۸، سطر ۱۹:

۱۸.(م):

...it was essential to provide smokers with the 'psychological crutch and some rationale to continue smoking'... one of the lawyers for the companies remains confident that they will win their case because, he says, 'fraud is a very high bar'.

۱۸.(ه):

... ضروری است که به سیگاریان «دستاویز روانی و توجیهی برای تداوم مصرف سیگار» داده شود. در اولین نگاه واژه «دستاویز» در این بافت بسیار جالب است؛ این واژه در نظام ارتباطی شرکت‌های تنباکو، از معنای ابزاری اساسی برای یاری ناتوانان به نوعی ضعیف‌پنداری تبدیل شده که معنای تحقیر مشتریان را به همراه دارد... یکی از وکلای این شرکت‌ها همچنان مطمئن است که آنها پیروز این میدان خواهند بود، چراکه به گفته او «کلاهبرداری [مطرح شده] بسیار رده‌بالاست».

در گزیده ۱۸، دو عبارت استعاری به کار رفته‌اند که توسط مولف بحث شده‌اند. موضوع مربوط به غول‌های تنباکو می‌شود که متهم به کلاهبرداری شده‌اند. در ص. ۷۸ گفته شده که نامه‌ای بین غول‌های تنباکو رد و بدل شده و در آن از ضرورت دادن «دستاویز روانی و توجیهی برای تداوم مصرف سیگار» به سیگاریان صحبت شده است. همچنین در ص. ۷۹، از قول یکی از وکلای این شرکت‌ها گفته می‌شود که آنها پیروز میدان خواهند بود چراکه «کلاهبرداری [مطرح شده] بسیار رده‌بالاست». واژه‌های موردنظر در این دو عبارت، واژه «دستاویز» و «رده‌بالا» است که در مراجعه به متن اصلی، متوجه می‌شویم به ترتیب از واژه crutch (به معنای «عصای زیربغل») و high bar (به معنای «بارفیکس») برای آنها استفاده شده است و مولف در خلال بحث منشاء این استعاره‌ها (اولی متعلق به حوزه ناتوانی و دومی متعلق به حوزه ورزش) را بیان کرده است. اما از آنجا که در متن ترجمه، معادل‌هایی مترادف با معنای تحت‌اللفظی آنها انتخاب شده است، ارتباط بین این معادل‌ها و توضیحات مولف در باب ماهیت این استعاره‌ها از بین رفته است. برای نمونه، در متن ترجمه بعد از عبارت «کلاهبرداری [مطرح شده] رده‌بالاست»، گفته شده که این تصویر از دنیای ورزش آمده است، در حالی که در این عبارت به دلیل معادل‌یابی مفهومی واژه high bar به صورت «رده‌بالا»، ارتباط مفهومی با حوزه ورزش برقرار نمی‌شود.

- صفحه ۱۳۲، سطر ۱:

۱۹.(م):

However, it might be supposed that small children are themselves 'concrete thinkers', that the knowledge and understanding of metaphor is a later, superimposed development, but here we would run up against a problem.

۱۹. (ه):

به هر حال می‌توان گفت که کودکان نیز «صاحب اندیشه واقعی» هستند و شناخت و درک استعاره، مبتنی بر توسعه‌ای پسینی و الحاقی [در ذهن آنها] است. اما در اینجا به یک مسئله برمی‌خوریم.

در گزیده ۱۹، در مورد کودکان و رابطه آنها با استعاره صحبت شده است. در متن اصلی، از عبارت concrete thinkers استفاده شده است. واژه concrete معانی متعددی دارد، اما به نظر می‌رسد با توجه به بحث استعاره و ذهن، معنی «عینی» یا «لملموس» بیش از «واقعی» برای آن در اینجا مناسب است. با مقایسه عبارت ترجمه‌شده با عبارت متن اصلی، می‌توان مشاهده کرد که عبارت ترجمه‌شده ممکن است در ذهن خواننده این معنی را القا کند که کودکان دارای اندیشه حقیقی یا واقعی (در مقابل غیرواقعی) هستند. در واقع، مولف قصد داشته بگوید که کودکان عمدتاً به واسطه مفاهیم عینی یا ملموس (در مقابل انتزاعی) می‌اندیشند. بنابراین در ترجمه عبارت concrete thinkers می‌توان گفت که کودکان به صورت عینی یا ملموس می‌اندیشند یا «لملموس اندیش‌اند».

- صفحه ۱۶۱، سطر ۱۷:

۲۰. (م):

...the use of normal, heimlich objects like beech trees, meadows, even, at another level of metaphor, bedclothes, in order to bring an otherwise incomprehensible world within the domain of the intelligible. As Freud resonantly put it in another context, analogies may decide nothing, but they have the capacity for making one feel more at home...

۲۰. (ه):

به کار بردن پدیده‌های آشنا و معمولی همچون درختان راش، مرغزارها و حتی، در سطح دیگری از استعاره، روپوش‌ها به ترتیبی است که یک جهان دیگرگون غیر قابل درک را به درون قلمرویی قابل فهم هدایت می‌کند. همانطور که فروید در موقعیتی دیگر تأکید

کرده، قیاس‌ها چیزی را حل نمی‌کنند؛ اما این توانایی را دارند که احساس صمیمیت بیشتری در انسان ایجاد کنند...

در گزیدهٔ ۲۰، با تطبیق متن ترجمه و انگلیسی، برخی ناهمخوانی‌ها آشکار می‌شود. نخست اینکه واژهٔ heimlich به صورت «آشنا و معمولی» ترجمه شده است. از آنجا که این واژه آلمانی است و به صورت ایتالیک نیز برجسته‌سازی شده است، بنابراین در ترجمه نیز این تأکید می‌بایست حفظ شود. نکتهٔ دوم، واژهٔ bedclothes است که به معنای «رختخواب» است اما در این متن به «روپوش» ترجمه شده است. نکتهٔ بعدی، ترجمهٔ جملهٔ آخر است که در ترجمه گفته شده «قیاس‌ها چیزی را حل نمی‌کنند؛ اما این توانایی را دارند که احساس صمیمیت بیشتری در انسان ایجاد کنند...». با توجه به متن انگلیسی به نظر می‌رسد این ترجمه برای جملهٔ مذکور مناسب‌تر باشد: «قیاس‌ها [برای ما] تعیین تکلیف نمی‌کنند، اما این قابلیت را دارند که احساس راحتی بیشتری در فرد ایجاد کنند...». عبارت feel at home اصولاً به معنای «احساس راحتی کردن» است و این متفاوت از «احساس صمیمیت کردن» است. همچنین برای عبارت decide nothing معادل «تعیین تکلیف نکردن» مناسب‌تر از «چیزی را حل نکردن» به نظر می‌رسد.

- صفحهٔ ۱۷۱، سطر ۹:

۲۱.(م):

it may now be a cliché to say that 'you can't take it with you when you go',

۲۱.(ه):

شاید اکنون گفتن این جمله که «وقت رفتن نمی‌توانی این را با خود ببری» یک مثلِ سایر باشد؛ ...

با توجه به متن اصلی ۲۱.(م)، عبارت «مثلِ سایر»، معادل cliché قرار داده شده است. در صفحهٔ ۱۹۶ نیز برای این واژه معادل «اقوالِ سایر (جملات معروف)» انتخاب شده است. به نظر می‌رسد هیچکدام از این معادل‌ها، معنی اصلی واژهٔ cliché که همان فرسودگی واژه است را به ذهن خواننده متبادر نمی‌کند. در عین حال، عبارت «کلیشه‌ای بودن» یا «کلیشه» را می‌توان استفاده کرد که در فارسی کاملاً جاافتاده است و معنای مورد نظر را به خوبی می‌رساند.

- صفحهٔ ۱۸۵، سطر ۱۲:

۲۲.(م):

In thinking through the metaphorical structure of this lyric, one obvious starting-place would be Juarez on the Mexican border, antagonistically coupled with New York City in the final stanza. This is in some sense a visit, familiar from American literature, to Mexico, and in that sense, again familiar, a visit to a place which is 'below'...

۲۲. (ه):

با تامل در ساختار استعاری این ترانه مشخص می‌شود که مکان آغازین شعر که خوآرز در سرحد مکزیک است، به عنوان جفت متضاد نیویورک در سطر آخر به کار رفته است. به تعبیری این یک سفر صمیمانه از ادبیات آمریکا به مکزیک است و در همان معنا سفری باز هم صمیمانه به مکانیست که «پایین» محسوب می‌شود.

در گزیده ۲۲، ساختار استعاری ترانه‌ای از باب دیلن (Bob Dylan) بحث شده است که در آن سفری از نیویورک به مکزیک صورت می‌گیرد و راوی در انتهای شعر دوباره به نیویورک بازمی‌گردد. در جمله پایانی، واژه familiar به «صمیمی» ترجمه شده و به سفر نسبت داده شده است. با مقایسه جمله متن اصلی و ترجمه مشخص می‌شود که این یک «سفر صمیمی» نبوده است، بلکه منظور این بوده که در ادبیات آمریکا، «سفر به مکزیک» و نیز «سفر به مکانی پایین دست» مفاهیمی «آشنا» هستند.

۵. نتیجه‌گیری

کتاب استعاره کتابی است که افق‌های نویی را در حوزه مطالعات استعاره پیش روی مخاطب فارسی‌زبان می‌گشاید. در سال‌های اخیر، آثار بسیاری از زبان‌شناسان شناختی درباره استعاره‌های مفهومی به فارسی ترجمه شده است، اما این کتاب، استعاره را از منظری چندوجهی از ادبیات گرفته تا روانکاوی و سیاست می‌کاود و مطالب آن برای مخاطبی که آشنایی اولیه با موضوع استعاره دارد، می‌تواند بدیع باشد. از نقاط قوت این کتاب می‌توان به وجود بخشی تحت عنوان پی‌نوشت‌های مترجم اشاره کرد که در تشریح مفاهیم و ارائه توضیحات اضافی کمک شایانی به درک بهتر مخاطب از مطالب کتاب می‌کند. کتاب همچنین به لحاظ ارائه پانویشت برای اصطلاحات تخصصی و اسامی خاص و نیز نثر روان مثبت ارزیابی می‌شود. با این حال، خطاهای ویرایشی و نگارشی متعددی در اثر مشاهده می‌شود که گاهی موجب دشواری درک مطلب می‌شوند.

کتاب/استعاره به دلیل شاهد آوردن از حوزه‌های مختلف دانش بشری نظیر ادبیات، سیاست، روان‌کاوی و فلسفه در تشریح کارکردهای استعاره طبیعی است چالش‌هایی را برای مترجم به همراه داشته است. در این خصوص شواهدی ارائه شد که نشان می‌داد مثلاً ترجمه برخی اصطلاحات تخصصی به درستی صورت نگرفته و به صورت عمومی معادل‌یابی شده‌اند. برای نمونه، بیشتر دیدیم واژه subject که در ادبیات فلسفی عمدتاً معادل «سوژه» واقع می‌شود، در این کتاب به «موضوع» ترجمه شده است. از کاستی‌های اساسی دیگر که در فرآیند ارزیابی ترجمه مشاهده شد، مخدوش شدن ماهیت استعاری مثال‌ها به دلیل ترجمه مفهومی آنها بوده است. در بسیاری از موارد که به برخی از آنها اشاره شد، ترجمه‌ها به صورت مفهومی صورت گرفته و این نکته مغفول مانده که معنای تحت‌لفظی عبارات در فهم استعاره زیربنایی آنها از اهمیت برخوردار است و ترجمه آنها می‌بایست استعاره به کاررفته در آنها را محفوظ بدارد. همچنین موارد متعددی از بیش‌برگردانی (overtranslation)، کم‌برگردانی (undertranslation) و جانداختگی در ترجمه مشاهده شد. در موارد دیگر، علاوه بر اینکه معادل‌های دقیق برای واژه‌های مبدأ انتخاب نشده، معادل‌ها در برخی موارد نیز وحدت رویه ندارند. همچنین در موارد متعددی معنای ساختار زبان مبدأ به درستی دریافت نشده و به صورت تحت‌لفظی به زبان هدف برگردانده شده است.

این کتاب برای مخاطبانی سودمندتر خواهد بود که پیش‌زمینه‌ای هرچند جزئی درباره استعاره داشته باشند. همانطور که در بخش دوم این مقاله اشاره شد، این کتاب عضوی از یک مجموعه کتاب (نیو کریتیال ایدیم) است که مولف آن را با هدفی خاص و روشن (که همان کمک به تشریح اصطلاحات انتقادی مدرن برای دانشجویان مبتدی است) نگاشته است. خواننده فارسی‌زبان با علم به این موضوع می‌تواند مواجهه‌ای حساب‌شده با کتاب داشته باشد و انتظارات خود از کتاب را برآورده سازد. همچنین با توجه به مخدوش شدن استعاره‌های موجود در برخی مثال‌ها به دلیل ترجمه مفهومی، مطابقت ترجمه فارسی و متن اصلی می‌تواند در درک بهتر مخاطبان موثرتر باشد.

کتاب‌نامه

- پانتر، دیوید (۱۳۹۸). استعاره (ترجمه محمد مهدی مقیمی زاده). تهران: نشر علم.
خجسته، فرامرز و فسایی، جعفر (۱۳۹۶). بازتولید مناسبات سلطه در رمان شوهر آهو خانم. نقد و نظریه ادبی، ۲(۱)، ۱۷-۳۸.

- ربانی خوارسگانی، علی و میرزایی، محمد (۱۳۹۳). ایدئولوژی، سوژه، هژمونی، و امر سیاسی در بستر نظریه گفتمان. *غرب‌شناسی بنیادی*، ۵(۱)، ۲۳-۴۶.
- کوچش، ژلتن (۱۳۹۸). *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره* (ترجمه شیرین پورابراهیم). تهران: انتشارات سمت. (کتاب اصلی منتشر شده به سال ۲۰۱۰).
- لیکاف، جورج و جانسون، مارک (۱۳۹۷). *استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم* (ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی). تهران: انتشارات آگاه. (کتاب اصلی منتشر شده به سال ۱۹۸۰).

- Britannica. (n.d.). Body-politic. In *Britannica.com encyclopedia*. Retrieved February 2, 2020, from <https://www.britannica.com/topic/body-politic>
- Jakobson, R. (1985). Metalanguage as a linguistic problem. In S. Rudy (ed.), *Roman Jakobson: Selected Writings*. Vol 7. Berlin: Mouton de Gruyter, pp. 113-121.
- Lakoff, G. and Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.
- Merriam-Webster. (n.d.). Myriad-minded. In *Merriam-Webster.com dictionary*. Retrieved February 4, 2020, from <https://www.merriam-webster.com/dictionary/myriad-minded>
- Punter, D. (2007). *Metaphor* (The New Critical Idiom). Routledge.
- Van Norden, B. W. (2004). Review of comparative essays in early Greek and Chinese rational thinking. In Jean-Paul Reading (ed.), *Notre Dame Philosophical Reviews*.